

بررسی تطبیقی طهارت در فقه شیعه و احکام یهودیت: رویکردی فقهی تطبیقی

سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱

محسن کبیری^۲

مهدی میری^۳

چکیده

ادیان ابراهیمی به دلیل خاستگاه توحیدی مشترک، در بسیاری از احکام و دستورهای عملی، دارای شباهت‌های قابل توجهی هستند. مفهوم «طهارت» به عنوان یکی از محوری‌ترین احکام در این ادیان، در فقه اسلامی - به ویژه در فقه شیعه امامیه - و نیز در شریعت یهود، جایگاه ویژه‌ای دارد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به بررسی مفهوم، اقسام و احکام طهارت در فقه شیعه و مقایسه آن با احکام طهارت در یهودیت می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو دین، طهارت را به دو قسم «طهارت از خبث» و «طهارت از حدث» تقسیم کرده‌اند و در مصادیق و شرایط وجوب، شباهت‌های قابل ملاحظه‌ای - از جمله در لزوم تطهیر پس از خواب، قضای حاجت، جنابت و تماس با میت - دیده می‌شود. همچنین در کیفیت اجرای طهارت (نظیر تقدیم دست راست بر چپ، لزوم شستشوی دهان و پرهیز از سخن گفتن هنگام قضای حاجت) نقاط مشترک قابل توجهی وجود دارد. این قرابت‌ها می‌تواند بیانگر ریشه‌های مشترک ادیان ابراهیمی و زمینه‌ساز تعامل و گفت‌وگوی علمی بین‌ادیانی باشد. نوآوری این پژوهش در رویکرد نظام‌مند به مقایسه ساختاری احکام طهارت در دو سنت فقهی و ارائه تحلیل مبتنی بر ریشه‌های ابراهیمی مشترک است.

کلیدواژه‌ها: طهارت، فقه شیعه، یهودیت، احکام تطهیر، وضو، نطیلا، گفت‌وگوی ادیان.

۱. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: hoseini.zeydi@razavi.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: mohsenkabirirad@gmail.com

۳. دکتری تخصصی رشته حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: mirimahdi276@gmail.com

طهارت از مفاهیم محوری در ادیان ابراهیمی است که هم در عرصه فردی و هم در صحنه اجتماعی - عبادی پیروان این ادیان، نقش تعیین کننده‌ای دارد. در فقه اسلامی، به‌ویژه در فقه شیعه امامیه، احکام طهارت دارای گستره‌ای وسیع و جزئیاتی دقیق است. از سوی دیگر، در شریعت یهود نیز مقررات مربوط به طهارت (به‌ویژه «نطیلا») از جمله احکام الزامی و پرتکرار محسوب می‌شود. بررسی تطبیقی این احکام، نه تنها می‌تواند جنبه‌های مشترک و متمایز این دو نظام فقهی را روشن سازد، بلکه گامی در جهت درک بهتر خاستگاه‌های مشترک ادیان توحیدی و تقریب بین‌مذهبی به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه احکام طهارت در اسلام یا یهودیت انجام شده است؛ اما مطالعات تطبیقی میان فقه شیعه و احکام یهودیت در این حوزه، همچنان جای کار دارد. این پژوهش با هدف تحلیل وجوه اشتراک و افتراق مفهوم و مضامین طهارت در این دو سنت دینی، و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد مقایسه‌ای، به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است: «مهم‌ترین شباهت‌ها و تفاوت‌های احکام طهارت در فقه شیعه و شریعت یهودیت کدامند؟» (در این پژوهش، فقه شیعه امامیه به عنوان یک نظام فقهی منسجم و شریعت یهود به مثابه یک دستگاه احکام عملی، در حوزه مسائل طهارت مورد مقایسه قرار می‌گیرند؛ این مقایسه نه در سطح اعتقادات، بلکه در عرصه فقه تطبیقی و با هدف کشف مشترکات ساختاری انجام می‌پذیرد).

نگاه این تحقیق، نگاهی علمی و مبتنی بر متون معتبر فقهی و دینی هر دو سوی مقایسه است. آیات قرآن کریم - از جمله آیه ۸۴ سوره آل عمران که مسلمانان را پیرو همه پیامبران الهی می‌خواند - و نیز متون تلمودی و فقه یهودی، منابع اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این مسیر، از هر گونه قضاوت ارزشی یا نگاه برترانگارانه پرهیز شده و کوشش گردیده است تا احکام هر دین، در چارچوب نظام فقهی خود فهم و عرضه شود.

ساختار مقاله پس از این مقدمه، بدین ترتیب است: ابتدا مفهوم طهارت و اقسام آن در اسلام تبیین می‌گردد؛ سپس احکام طهارت در یهودیت (با محوریت «نطیلا») بررسی می‌شود؛ در بخش بعدی، تطبیق نظام‌مند این احکام در دو دین ارائه خواهد شد؛ و در پایان، یافته‌های تحقیق در قالب جمع‌بندی و نتیجه‌گیری عرضه می‌گردد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. طهارت

طهارت از ریشه «طهر» است و در لغت به معنای زدودن و پاک کردن درون و برون از آلودگی‌ها و خباثت است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸؛ ازهری، ۱۴۲۱: ج ۶، ص ۱۰۰؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۳۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۰۶؛ سیاح، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۹۸۰). این مفهوم در اسلام در دو معنای متمایز به کار رفته است: معنای نخست، به «ازاله نجاست از شیء، بدن یا مکان» اطلاق می‌شود. این نوع طهارت (طهارت از خبث) در صحت بسیاری از عبادات شرط است زیرا مکلف باید در حین انجام برخی اعمال عبادی، بدن و لباسش از نجاسات پاک باشد و در صورت وجود نجاست و آگاهی از آن، عبادت وی باطل خواهد بود. میزان نجاسات و احکام مربوط به آنها در فقه اسلامی مورد بحث قرار گرفته است (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۹۲، مسأله ۸۴۸؛ سیستانی، بی‌تا، مسأله ۷۷۵).

معنای دوم طهارت، به سه عمل وضو، غسل و تیمم اشاره دارد که به آن «طهارت از حدث» گفته می‌شود. این طهارت در مقابل «حدث» قرار دارد و فرد با وقوع حدث، مکلف است برای انجام عبادات خاص، خود را تطهیر نماید (علی نوری، ۱۳۸۳، ۸۸)

در طهارت از حدث، دو نوع حدث تعریف شده است: حدث اصغر (مانند خوابیدن، ادرار و مدفوع) و حدث اکبر (مانند جنابت، حیض و نفاس) وقوع حدث اکبر، شخص را از انجام برخی اعمال - مانند ورود به مسجد، قرائت قرآن و... - ممنوع می‌سازد و رفع آن تنها از طریق غسل ممکن است (ر.ک: شهیدثانی، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۱۳-۵۲)

۲-۱. مقدمه واجب

مراد از «مقدمه واجب»، ثبوت ملازمه شرعی بین یک حکم واجب و مقدمه آن است؛ به این بیان که تردیدی در لزوم وجود مقدمه برای انجام واجب نیست. طهارت - اعم از خبیثه و حدثیه - مقدمه واجب برای انجام بسیاری از فرایض اسلامی است. طهارت از خبیث از این جهت مقدمه واجب است که مکلف باید پیش از انجام فریضه، بدن، لباس و مکان عبادت خود را از نجاسات پاک کند، وگرنه عبادت وی باطل خواهد بود. همین حکم در مورد طهارت از حدث نیز صادق است، زیرا انجام برخی واجبات (مانند نماز) متوقف بر داشتن طهارت حدثیه است (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۳۳۲) در اینجا بحث از مقدمه واجب از آن رو مطرح می‌شود که هدف این نوشتار، صرف معرفی احکام فقهی نیست، بلکه یافتن قربات‌ها و شباهت‌های ادیان آسمانی است تا از این رهگذر، درک درستی از سایر ادیان حاصل آید. چنانکه خداوند در آیه ۸۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «قُلْ ءَاَمَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا اُنْزِلَ عَلٰى اِبْرٰهٖمَ وَ اِسْمٰعِیْلَ وَ اِسْحٰقَ وَ یَعْقُوْبَ وَ الْاَسْبَاطِ وَ مَا اُوْنِیْ مُوسٰی وَ عِیْسٰی وَ النَّبِیُّوْنَ مِنْ رَبِّهٖمْ لَا نَفَرَّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُوْنَ» (آل عمران، ۸۴) و مسلمانان را پیرو دیگر انبیاء می‌خواند.

در هر شریعت، احکامی چندگانه وجود دارد: برخی عقلی و اخلاقی (مانند قبیح دروغ و دزدی) که در همه شرایع مشترکند؛ برخی اجتماعی (مانند خرید و فروش) که ممکن است اختلافات جزئی در آنها باشد؛ و برخی تحریمی (مانند زنا و لواط) که در تمام شرایع حرام هستند. اما دسته‌ای از احکام - که موضوع این پژوهش است - احکام فردی عبادی هستند که ممکن است صورت و ظاهر اجرای آنها در ادیان مختلف متفاوت باشد، اما اصل و ذات آنها یکی است. نماز در اسلام، دعا در کلیسا برای مسیحیان و انجام فرایض توسط یهودیان، همگی برای ذکر و یاد خداوند هستند: «اِنَّنِیْ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنَا فَاعْبُدْنِیْ وَ اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِکْرِیْ» (طه، ۱۴)

همان‌گونه که در اسلام انجام فرایضی چون نماز و حج نیاز به مقدماتی - از جمله طهارت حدثیه و خبیثه - دارد، در یهودیت نیز برای انجام واجبات، مقدماتی ضروری است که در ادامه بیان خواهد شد

باید توجه داشت که این پژوهش به مقایسه شیعه اثنی عشری با شریعت یهودیت می‌پردازد زیرا حتی در میان مسلمانان نیز در مقدمات واجب اختلاف‌های فراوانی وجود دارد. هنگامی که در درون اسلام، اختلافاتی در ظاهر مقدمه واجب وجود دارد ولی اعمال همه فرق را صحیح می‌دانیم، باید در قبال اختلافات میان دو دین - که منبعی واحد دارند - با دقت و انصاف برخورد کرد.

۲. اختلافات احکام طهارت در اسلام

در اسلام دو شاخه اصلی شیعه و اهل سنت وجود دارد که شامل پنج فرقه اصلی شیعه اثنی عشری، حنبلی، حنفی، شافعی و مالکی می‌شود؛ احکام طهارت در میان این مذاهب دارای اختلافات قابل توجهی است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. (لازم به ذکر است که این بخش برای نشان دادن تنوع درون‌دینی است و تمرکز اصلی مقاله بر فقه شیعه است)

از منظر اهل سنت، خروج «مذی» و «ودی» از مردان، مبطل وضو به شمار می‌رود؛ در حالی که به اعتقاد شیعه، این موارد مبطل وضو نیستند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۴۴۴) حنبلیان، استفراغ و خوردن گوشت شتر را مبطل وضو می‌دانند، که خلاف نظر سایر مذاهب است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۱)

در مسأله خروج منی، شافعیه آن را مبطل وضو نمی‌دانند، ولی دیگر مذاهب آن را مبطل می‌شمرند. همچنین، در مورد لمس نامحرم، شافعیه و حنفیه قائل به وقوع حدث اصغر هستند، در حالی که سایر مذاهب چنین حکمی ندارند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۵۰)

در مورد غسل، تمام مذاهب، حیض، نفاس و غسل مس میت را موجب حدث اکبر و ضروری کننده غسل می‌دانند؛ با این حال، در وجوب غسل جنابت، امامیه و شافعیه صرف خروج منی یا دخول را کافی می‌دانند؛ اما سایر مذاهب، خروج منی همراه با مباشرت را شرط می‌شمرند (مغنیه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۴۳)

در کیفیت انجام غسل نیز میان شیعه و اهل سنت اختلاف وجود دارد. اهل سنت رسیدن آب به تمام بدن را به هر شکل کافی می‌دانند، اما در شیعه، غسل به دو صورت ترتیبی و اترتاهی است. حتی در انجام غسل ترتیبی میان شیعیان نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد: برخی شستن سر، سپس سمت راست و سپس از آن سمت چپ بدن را لازم می‌دانند؛ برخی دیگر شستن سر و سپس بقیه بدن را کافی می‌شمرند؛ و برخی نیز مانند اهل سنت، رسیدن آب به تمام بدن را برای غسل صحیح می‌دانند (مغنیه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۴۳)

در مورد غسل مس میت، شیعه معتقد است اگر شخصی، میتی را که هنوز غسل داده نشده و بدنش سرد شده است لمس کند، غسل مس میت بر او واجب می‌شود؛ اما اهل سنت این غسل را مستحب می‌دانند. امامیه، ورود به مسجد، روزه‌داری و قرائت قرآن را در این حالت جایز می‌شمارد، اما برای خواندن نماز، غسل را لازم می‌داند (قمی، ۱۳۹۳، ص ۴۳-۴۴)

در غسل میت نیز اختلاف چشمگیر است؛ شیعه معتقد است میت باید سه بار غسل داده شود: بار اول با آب مخلوط با سدر، بار دوم با آب مخلوط با کافور، و بار سوم با آب خالص. اما اهل سنت، یک بار غسل دادن با آب را کافی می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۵۳)

تیمم نیز از موارد اختلافی است. زمانی می‌توان به جای وضو یا غسل، تیمم کرد که یا آب یافت نشود، یا به دلیل سفر یا مرض نتوان از آن استفاده کرد. در این باره، حنفیه صرف عدم یافتن آب را مجوز تیمم نمی‌دانند و معتقدند تنها در سفر یا مرض می‌توان تیمم کرد؛ اما سایر مذاهب، فقدان آب را در هر حالتی مجوز تیمم می‌شمرند (حکیم، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۰۳) کیفیت تیمم نیز مورد اختلاف است. اهل سنت مسح تمام صورت و تمام دست تا آرنج را - مانند وضو - واجب می‌دانند؛ اما به عقیده شیعه، فقط بخشی از صورت و پشت دست‌ها از مچ تا سر انگشتان، موضوع تیمم است (مغنیه، ۱۴۰۲، ص ۴۳-۴۴)

ج ۱، ص ۷۰) در مورد رعایت ترتیب و موالات در تیمم نیز اختلاف است: مالکیه و شیعه ترتیب و موالات را واجب می دانند؛ حنفیه آنها را لازم نمی شمارند؛ حنابله تفصیل قائل شده و در تیمم بدل از وضو، ترتیب و موالات را لازم می دانند، ولی در تیمم بدل از غسل لازم نمی دانند؛ و شافعیه ترتیب را لازم ولی موالات را غیر ضروری می دانند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۲۴)

در مورد نجاست میت، تمام مذاهب حکم به نجاست آن داده اند. اما درباره میت انسان، مالکیه، شافعیه و حنابله حکم به طهارت ذاتی آن داده اند، در حالی که حنفیه و شیعه، طهارت آن را پس از غسل میت می دانند (جزیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۵)

حنفیه قهقهه و خنده بلند را مبطل وضو می دانند. همچنین، خروج خون از بدن - به شرطی که از محل خروج تجاوز کند - را مبطل وضو می شمارند؛ البته حنابله معتقدند فقط در صورت زیاد بودن خون، وضو باطل می شود. در مورد خون استحاضه نیز اختلافات فراوانی وجود دارد (مغنیه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۳)

در کیفیت وضو نیز میان شیعه و اهل سنت تفاوت هایی وجود دارد. در شستن صورت، شیعه شستن از بالا به پایین را واجب می داند و شستن از پایین به بالا را موجب بطلان وضو می شمارد؛ اما اهل سنت، شیوه شستن را ناقض وضو نمی دانند؛ در شستن دست ها نیز همین اختلاف وجود دارد: شیعه شستن از آرنج تا نوک انگشتان را واجب می داند، ولی اهل سنت عکس آن را لازم می دانند (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۶). در مسح سر، حنابله و مالکیه مسح تمام سر، شافعیه و حنفیه مسح بخشی از سر، و امامیه مسح جزئی از سر را واجب می دانند. در مورد پاها، اهل سنت شستن آنها تا مچ را لازم می شمارند، اما شیعه قائل به مسح روی پا است و شستن آن را جایز نمی داند (قمی، ۱۳۹۳، ص ۳۰-۲۹)

همان گونه که به صورت مختصر بیان شد، میان پنج فرقه اصلی اسلام در مورد طهارت اختلافات ژرفی وجود دارد؛ اما در نگاه اسلامی، همه آنها مسلمان شمرده می شوند و عباداتشان صحیح تلقی می گردد. حتی در فقه شیعه، در مواردی حکم به اقتداء به اهل سنت در مناسک مختلف داده شده است.

اگر با این نگاه به مسئله بنگریم، درمی یابیم که در مسلمان بودن هر فرقه و قبولی اعمال آنها، ظاهر عبادات محور نیست، بلکه ذات و روح عبادت و انجام مقدمات لازم برای ادای واجبات است. باید با همین دیدگاه به سایر ادیان نیز نگرست و به تعبیر علمای ادیان، نگاه برون دینی داشت تا بدون تعصب، به دنبال کشف شباهت های ادیان الهی رفت. این شناخت می تواند به ایجاد روابط حسنه و همبستگی بیشتر با سایر ادیان - به ویژه در کشورهای دارای تنوع دینی - بینجامد. این نگاه و این پژوهش می تواند به کاهش بسیاری از جنگ ها و اختلافات ناشی از عدم درک و پذیرش دیگر ادیان کمک کند و بستری برای تعامل سالم تر و تفاهم بیشتر میان پیروان ادیان فراهم آورد.

۳. طهارت در یهودیت^۱

مبحث طهارت در شریعت یهودیت بسیار گسترده است و بخش های گوناگونی را دربرمی گیرد. در این بخش، به دلیل محدودیت مجال، تنها به بررسی طهارت دست ها که از مهم ترین اجزای این نظام است، پرداخته می شود. لازم به ذکر

۱. تمامی این بخش بر مبنای: هلاخا، طبق بن ایش حای (احکام یهود)، ج ۱، ص ۲۰۴-۲۸ و ۶۴-۷۷.

است که طهارت زنان پس از ایام قاعدگی، از مهم‌ترین و مفصل‌ترین احکام طهارت در یهودیت به شمار می‌رود که لزوماً در آبگیرهای طبیعی یا حوضچه‌های ویژه غسل شرعی (میکوه) صورت می‌گیرد. همچنین، غسل‌های ویژه مردان و زنان که در تورات ذکر شده و در دوران معبد اورشلیم واجب بوده، مبحث گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد. امروزه، غسل شرعی مردان در یهودیت دارای حکم استحباب است (ر.ک: اشتاین سالتز، ۱۳۹۳، ۲۸۱-۲۹۰).

به طهارت واجب دست‌ها در یهودیت اصطلاحاً «نطیلا» گفته می‌شود که مشابه عمل وضو در اسلام است. در ادامه، به چگونگی انجام آن پرداخته می‌شود:

نطیلا: صبح: ابتدا سه مرتبه بر روی دست راست و سه مرتبه بر روی دست چپ، به ترتیب یک‌درمیان، آب ریخته می‌شود. اگر سه بار پیایی بر روی یک دست آب ریخته شود، طهارت حاصل نمی‌گردد. برخی برای حفظ جایگاه دست راست، ظرف آب را مستقیماً به دست چپ نمی‌دهند، بلکه ابتدا با دست چپ آن را روی زمین گذاشته، سپس با دست راست برمی‌دارند؛ اما برای دست چپ، مستقیماً ظرف را به دست چپ می‌دهند. شیوه متداول بدین صورت است: ابتدا ظرف با دست راست برداشته شده، به دست چپ داده می‌شود و سپس بر روی دست راست آب ریخته می‌شود. آنگاه ظرف به دست راست بازگردانده شده و یک بار بر روی دست چپ آب ریخته می‌شود.

در همه روزهای سال به جز روز کیپور^۱ (روز دهم نیشری، معادل عاشورا در اسلام) و نهم ماه آو^۲، باید تمام انگشتان، کف دست و پشت دست شسته شود. در آن دو روز خاص که رساندن آب به بدن مجاز نیست، تنها شستن انگشتان کفایت می‌کند. (ر.ک: لاویان، ۲۷، ۲۳)

پس از ریختن آب بر دست‌ها، فرد انگشتان را بالا گرفته و دست‌ها را سه بار به هم می‌مالد. سپس دست‌ها را تا مقابل سر بالا برده و در حالی که انگشتان را گشوده، براخا (دعای ویژه) را می‌خواند. بر طبق کتاب زوهر، بالا بردن دست‌ها بدون خواندن دعا ممنوع است؛ بنابراین بلافاصله پس از بالا بردن دست‌ها، باید براخا خوانده شود و در تمام مدت خواندن

۱. یوم کیپور (به عبری: יוֹם כִּיּוּר) (به عربی: یوم الغفران) که معنی واژه به واژه آن از زبان عبری روز بخشایش گناهان است و به نام روز آمرزش نیز شناخته می‌شود؛ مهم‌ترین جشن مذهبی یهودیان و مقدس‌ترین روز در گاه‌شماری عبری است. در دهمین روز پس از روش هاشانا (عید سال نو عبری) که دهمین روز ماه نیشری در گاه‌شماری عبری است، یوم کیپور دانسته می‌شود. در روز یوم کیپور، موسی از کوه سینا بازگشت. که در اسلام روز دهم محرم و عاشورا است. (ر.ک: ویکی‌پدیا در ذیل یوم کیپور)

۲. نهمین ماه از تقویم عبری است. آو ماهی تابستانی و ۳۰ روزه است. تیشعا باو (در عبری: תִּשְׁעָה בְּאָב یا ט' באב)، نهمین روز از ماه آو عبری است که پیروان دین یهودیت در آن روز، روزه می‌گیرند. نهم ماه عبری آو، «شوم‌ترین روز تاریخ یهود» نام دارد. بر طبق نوشته‌های مذهبی در این روز معبد هیکل سلیمان در اورشلیم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد توسط بخت‌النصر دوم پادشاه بابل و معبد دوم در اورشلیم در سال ۷۰ میلادی توسط تیتوس فرمانده ارتش روم تخریب و ویران شد. همچنین در این روز در سال ۱۳۲ میلادی ۱۰۰۰۰۰ یهودی کشته شدند. در این روز بر طبق سنت یهود، در این روز یهودیان روزه دار می‌شوند و به سوگ اورشلیم می‌نشینند. این روز در تقویم میلادی معمولاً در ماه ژوئیه یا آگوست است. در اسلام مصادف با ۶ ذی حجه است. (ر.ک: ویکی‌پدیا در ذیل نهم ماه آو)

آن، دست‌ها به سمت بالا نگه داشته شوند.

واجب است فرد بلافاصله پس از بیدار شدن از خواب، نطیلا بگیرد و پیش از آن، نباید به هیچ‌یک از لباس‌هایش - حتی جوراب - دست بزند. همچنین، پیش از نطیلا گرفتن نباید بیش از دو متر بدون توقف راه برود. از این رو، ظرف نطیلا باید در فاصله کمتر از دو متری قرار گیرد. اگر ظرف دورتر بود و کسی برای آوردن آن نبود، باید پس از هر دو متر توقف کرده، سپس حرکت کند. اگر آب موجود تنها برای شستن انگشتان کافی بود، باید در حد امکان انگشتان شسته شود (مانند روز کیپور) و سپس پس از هر دو متر توقف، به سوی آب رفته و نطیلا را کامل کند.

آب استفاده شده در نطیلا نباید بر زمین - به ویژه محل‌های پررفت‌وآمد - ریخته شود. بهتر است ظرفی زیر دست قرار گیرد و پس از نطیلا، آب در دستشویی یا فاضلاب تخلیه گردد. اگر آب نطیلا بر زمین ریخت، باید آب بیشتری بر روی آن ریخت تا «بطلان» شود.

ناپاکی آب نطیلا حتی از بول شدیدتر دانسته شده است؛ از این رو، خواندن براخا، تدریس و قرائت تورات در مقابل آن، تا زمانی که از اتاق خارج یا پوشانده نشده، ممنوع است.

هر مادر یهودی موظف است هر صبح بر دستان کودک خود - حتی نوزاد - سه مرتبه آب ریخته و نطیلا را برای او انجام دهد زیرا ممکن است کودک پیش از نطیلا، با دست زدن به خوراکی‌ها، آنها را ناپاک کند. همچنین، باید به کودکان در یادگیری و انجام صحیح نطیلا کمک کرد.

شستن صورت و دهان نیز واجب شمرده می‌شود زیرا نام خداوند بسیار محترم و بزرگ است و این عمل برای اکرام نام او لازم است.

زن ناپاک (حائض) و کسی که خود نطیلا نگرفته، نمی‌تواند بر دست دیگری آب بریزد. اگر فردی پس از نطیلا با شخصی که نطیلا نگرفته تماس پیدا کند، باید دوباره نطیلا بگیرد. اگر شخصی در طول روز بخوابد، باید نطیلا بگیرد، اما خواندن براخا لازم نیست. در مواردی که خواندن براخا لازم نیست، اگر نتوان آب را به فاضلاب ریخت، ریختن آن بر زمین جایز است.

پیش از نطیلا گرفتن، حتی اگر چشم‌ها و دهان بسته باشد، نباید به آنها دست زد. همچنین، لمس بینی و گوش‌ها - حتی از خارج - مجاز نیست. در هنگام خواب می‌توان این اعضا را با پارچه‌ای پاک کرد، اما اگر نیاز به لمس باشد، باید پیش از آن نطیلا گرفته شود. این ممنوعیت در خواب روز اعمال نمی‌شود (ر.ک: یدیدیا، بی‌تا، ۷۶-۸۲).

موارد وجوب نطیلا عبارتند از:

۱. پس از بیدار شدن از خواب
۲. پس از ورود به دستشویی - حتی بدون قضای حاجت - البته اگر تنها دست‌ها وارد شده باشد، یک بار شستن آنها کافی است.
۳. پس از همبستری زن و شوهر
۴. قرار گرفتن در فاصله دو متری یک مرده
۵. لمس مرده
۶. خروج از قبرستان

در تمامی موارد فوق - به جز بیدار شدن از خواب - می‌توان بیش از دو متر پیاده‌روی کرد و آب نطیلا را بر زمین ریخت.

مستحب است پس از خروج از حمام، سه بار نطیلا گرفته شود. اگر ناخن‌ها گرفته شود، یک بار نطیلا کافی است؛ اما اگر ناخن‌ها آن قدر بلند باشد که از گوشت بیرون زده، باید سه بار - یک‌درمیان - نطیلا گرفت. مواردی که نطیلا در آنها برای نظافت و نه وجوب شرعی است، اما تا نطیلا گرفته نشود، دست‌زدن به کتاب مقدس جایز نیست، عبارتند از:

۱. پس از دست‌زدن به کفش استفاده شده
 ۲. پس از لمس هر قسمت از بدن که معمولاً پوشیده است (بازوی چپ مردان که تفیلین بر آن بسته می‌شود، جزو مناطق پوشیده محسوب نمی‌شود)
 ۳. پس از خاراندن سر در زیر موها یا کلاه
- در یهودیت، پاک‌سازی پس از قضای حاجت تنها با آب صحیح است و استفاده از کاغذ یا مانند آن کافی نیست. هنگام قضای حاجت، باید مراقب بود که بول یا غائط بر لباس نریزد. همچنین، در حین این عمل نباید هیچ سخنی گفته شود. واجب است پس از قضای حاجت، نطیلا گرفته شود. (ر.ک: هاکس، ۱۳۷۷، ۱۴۵-۱۷۰)
- در یهودیت، نگه‌داشتن بول و غائط عملی ناپسند (مکروه) و در برخی موارد حرام شمرده می‌شود و فرد نباید به خود فشار آورد. کسی که نیاز به قضای حاجت دارد، حق خواندن متون مقدس را ندارد.
- قضای حاجت نباید در معرض دید دیگران انجام شود. در دستشویی باید بسته باشد و حتی اگر در طبیعت باشد، باید خود را بپوشاند. کودکان نیز نباید همراه یکدیگر به دستشویی بروند و باید مستقل عمل کردن را بیاموزند. بهتر است جهت شمال - جنوب برای این عمل رعایت شود. حتی اگر کسی نباشد یا شب باشد، نباید بدن را زیاد عریان کرد یا در را باز گذاشت (ر.ک: پورمولائی، ۱۳۹۴، ۴۳-۶۵)
- باید تا حصول پاکی کامل، از خواندن براخا خودداری کرد. تا زمانی که نطیلا گرفته نشده و براخا خوانده نشده، سخن گفتن با دیگران جایز نیست.
- باید برای پاک‌سازی از دست چپ استفاده شود و به دلیل احترام دست راست، استفاده از آن جایز نیست. همچنین، تا حد امکان نباید از انگشت وسط دست چپ - که تفیلین بر آن بسته می‌شود - استفاده کرد (ر.ک: آبراهام کهن، ۱۳۹۰، ۲۳۰-۲۴۶)

۴. تطبیقات

۴-۱. تطبیق طهارت از خبث

در فقه اسلامی، شستن مخرج بول با غیر آب مجزی نیست، اما در مورد مخرج غائط، هم می‌توان با آب شست و هم می‌توان با چیزی که نجاست را برطرف می‌کند - مانند سنگ، کلوخ یا پارچه - آن را مسح کرد (به مخرج غائط کشید) البته شستن با آب افضل است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۲). همان گونه که در یهودیت بیان شد، فرد یهودی نیز موظف است حتماً خود را با آب بشوید و استفاده از غیر آب کافی نیست. در اسلام نیز روایات بسیاری بر شستن با آب تأکید

۴-۲. تطبیق وضو

در وضوی اسلامی، رعایت ترتیب بین اعضا واجب است؛ بدین صورت که شستن صورت مقدم بر شستن دست راست، و شستن دست راست مقدم بر شستن دست چپ است (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۴) در اسلام و نیز در یهودیت، همواره تقدیم سمت راست بدن بر سمت چپ، اولویت دارد و رعایت این ترتیب لازم شمرده می شود. این تقدیم در وضو، غسل و تیمم اسلامی و نیز در نطیلائی یهودی مورد توجه است

حدثهایی که موجب وجوب طهارت در اسلام و نطیلا در یهودیت می شوند:

۱. **بول و غائط:** در یهودیت، حتی ورود به دستشویی - بدون انجام قضای حاجت - موجب وجوب نطیلا می شود و فرد بدون طهارت، از بسیاری اعمال منع می گردد. در اسلام نیز مستحب است فرد با وضو بخوابد، یا پس از بیداری پیش از خوردن و آشامیدن وضو بگیرد (در یهودیت این وجوب دارد)

۲. **خواب:** در یهودیت، هر خوابی - چه شبانه و چه روزانه - موجب وجوب نطیلا می شود (اگرچه کیفیت آن متفاوت است) در اسلام نیز خوابی که بر حواس بینایی و شنوایی چیره شود، حدث اصغر محسوب و وضو را لازم می کند (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۷)

۳. **همبستری و جنابت:** این موارد در اسلام موجب وجوب غسل، و در یهودیت موجب وجوب نطیلا می شود و انجام بسیاری از اعمال منوط به طهارت پس از آن است.

۴. **تماس با میت:** در شیعه، لمس میت موجب وجوب غسل میت می شود (سیستانی، بی تا، مساله 634) و حتی حضور در محل اعدام، غسل را مستحب می کند. در یهودیت نیز لمس میت، قرار گرفتن در فاصله دو متری آن، و خروج از قبرستان، نطیلا را واجب می سازد. در اسلام نیز مستحب است برای نماز میت و زیارت قبور، وضو گرفته شود (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۶)

۵. **ممنوعیت لمس متون مقدس برای محدث:** در اسلام، شخص جنب یا حائض نباید قرآن را بخواند یا لمس کند. برای مس نوشته قرآن، برائت از هر گونه حدث شرط است و فرقی میان آیات، کلمات، حروف، مد، تشدید و اعراب قرآن نیست. نامها و صفات خاص خداوند نیز ملحق به قرآن هستند بنابراین مس آنها برای محدث جایز نیست. در مورد نام پیامبران و ائمه «علیهم السلام» و فرشتگان، احتیاط لازم است و محدث باید از مس آنها - به ویژه نام پیامبران و امامان - اجتناب کند (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۹) در یهودیت نیز فردی که نطیلا نگرفته یا ناپاکی دیگری دارد، حق خواندن و لمس متون مقدس را ندارد.

۶. **حکم حبس بول و غائط:** در اسلام، نگه داشتن بول و غائط مکروه است و اگر برای بدن مضر باشد، ممکن است حرام گردد. اما اگر شخص وضو داشته باشد و برای وضو گرفتن مجدد و خواندن نماز وقت تنگ باشد، حبس بول یا غائط واجب می شود. ۱ (ر.ک: طباطبائی یزدی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۴۵) همان گونه که پیشتر در

۱ یکره حبس البول أو الغائط، وقد یكون حراماً إذا كان مضرّاً، وقد یكون واجباً كما إذا كان متوضئاً ولم یسع الوقت للتوضؤ بعدهما

یهودیت بیان شد، نگه داشتن بول و غائط نیز مکروه یا در مواردی حرام است و فرد در چنین حالتی از برخی اعمال منع می شود. روایاتی در نهی از حبس بول و غائط وارد شده است، از جمله:

الف) **فَقَهُ الرُّضَا (ع):** «وَرُوي: إِذَا جُعْتَ فَكُلْ وَ إِذَا عَطِشْتَ فَاشْرَبْ وَ إِذَا هَاجَ بِكَ الْبَوْلُ قُبْلَ وَ لَا تُجَامِعْ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ إِذَا نَعَسْتَ قَنَمَ فَإِنَّ ذَلِكَ مَصْحَةٌ لِلْبَدَنِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۴)

ب) **الرَّسَالَةُ الدَّهْيِيَّةُ، لِلرُّضَا (ع):** «وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَشْتَكِيَ مَنَاتَهُ فَلَا يَحْبِسِ الْبَوْلَ وَ لَوْ عَلَى ظَهْرِ دَابَّتِهِ» (همان، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۴)

در یهودیت، نطیلا پس از خواب شبانه وجوب قطعی دارد. در اسلام نیز خواب حدث است که وضو را لازم می کند، اما برای مسلمانان مستحباتی پس از خواب وارد شده که پیامبر (ص) و ائمه (ع) انجام می دادند، از جمله:

۱. **وضو و نماز:** پیامبر اکرم (ص) آب وضو را نزدیک خود می گذاشتند تا پس از بیداری، وضو ساختن آسان باشد. ایشان پس از بیداری، ابتدا دو رکعت نماز سبک می خواندند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۵۳)

۲. **سجده:** به نقل از امام باقر (ع)، پیامبر (ص) از هیچ خوابی - حتی خواب روز - بر نمی خاستند مگر آنکه سجده می کردند. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۵۳)

۳. **حمد و سپاس الهی:** پس از بیداری، خدا را به خاطر بازگرداندن روح سپاس می گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ» (ترمذی، ۱۴۱۲، ۲۱۸). همچنین دعاهایی خاص می خواندند، مانند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ...» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۵۳) امام صادق (ع) نیز ذکرهایی ویژه پس از بیداری توصیه فرموده اند (ر.ک: مجلسی، بی تا، ص ۲۴۳)

۳-۴. تطبیق شستن

مسواک زدن: پیامبر اکرم (ص) در طول شب چندین بار مسواک می زدند، از جمله پیش از خواب و پس از هر بیداری؛ ایشان چوب مسواک (معمولاً چوب «أراك») را زیر خوابگاه خود می نهادند و پس از هر بیداری مسواک زده، سپس وضو می گرفتند. در برخی روایات، مسواک زدن بین هر دو رکعت نماز و پیش از خروج برای نماز صبح نیز مستحب شمرده شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۴۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۵۳) در شریعت یهودیت، دستوری برای شستشوی دهان در صبح پس از بیدار شدن وجود دارد. این عمل به عنوان یک **مینهاگ** (minhag)،

وَالصَّلَاةُ، وَقَدْ يَكُونُ مُسْتَحَبًّا كَمَا إِذَا تَوَقَّفَ مُسْتَحَبُّ أَهْمَ عَلَيْهِ.

۱ در کتاب «فقه الرضا (ع)» روایت شده است: «هرگاه گرسنه شدی، بخور؛ و هرگاه تشنه شدی، بیاشام؛ و هرگاه فشار ادرار به تو هجوم آورد، ادرار کن؛ و جز هنگام نیاز [و واقعی] همبستر مشو؛ و هرگاه خوابت آمد، بخواب؛ چراکه این [کارها] سلامت بدن است»

۲ در «رساله دهیه» منسوب به امام رضا (ع) آمده است: «و هر کس می خواهد مثانه اش ناراحت نشود، ادرار خود را حبس نکند؛ حتی اگر بر پشت مرکب خود [سوار] باشد»

سنت یا رسم توصیه شده، معادل مستحب) تلقی می شود و نه واجب، با هدف پاک کردن مخاط یا بزاق انباشته شده در دهان طی خواب، به منظور حفظ پاکی و قداست هنگام تلفظ نام خدا در برکت ها و نماز صبح (شاخاریت، Shacharit). این شستشو باید با آب انجام شود، بدون بلعیدن آن، و بلافاصله پس از شستن دست ها (نتیلات یدایم، Netilat Yadayim) و قبل از گفتن هر برکت یا نام خدا صورت گیرد. رعایت آیین خاصی فراتر از شستشوی ساده با آب ذکر نشده، اما باید با تمرکز بر پاکی انجام شود (کارو، ۱۵۶۵، شرح اوراخ خایم، ج ۴، ص ۱۷). همچنین، در برخی شروح، شستشوی دهان یا حتی مسواک زدن (اگر باعث اختلال در تمرکز نشود) قبل از نماز توصیه می شود تا هر چیزی که مزاحم باشد برداشته شود، اما این هم به عنوان توصیه بهداشتی و نه واجب است (کارو، ۱۵۶۵، شرح اوراخ خایم، ج ۳، ص ۹۲).

در روزهای روزه (مانند تیشا بئاو، Tisha B'Av یا روزه های جزئی)، شستشوی دهان محدود است و تنها اگر باعث درد شدید شود، مجاز است با کمتر از مقدار معین آب (روویع، Revius)، بدون بلع (کارو، ۱۵۶۵، اوراخ خایم، ج ۳، ص ۵۶). در شبات، مسواک زدن با خمیر دندان ممنوع است به دلیل ممنوعیت هایی مانند صاف کردن یا ایجاد خونریزی، اما بدون خمیر و با برس خشک مجاز است اگر خونریزی ایجاد نکند (این بر اساس شروح مدرن تر است، اما در منابع کلاسیک مستقیماً نیامده). (تلمود بابلی، حدود ۵۰۰ میلادی، براخوت، ۶۰ب)

طهارت گرفتن با دست: در یهودیت، فرد نباید با دست راست خود را بشوید زیرا دست راست حرمت والایی دارد. در اسلام نیز طهارت گرفتن (استنجاء) با دست راست مکرره است، اگرچه این کراهت مطلق نیست و در صورت ضرورت مرتفع می شود. روایاتی در این زمینه وارد شده، از جمله:

- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يَسْتَنْجِيَ الرَّجُلُ بِيَمِينِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۱).
- «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْأَسْتَنْجَاءُ بِالْيَمِينِ مِنَ الْجَنَاءِ» (همان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۱).
- «قَالَ وَقَدْ رَوَى أَنَّهُ لَا بَأْسَ إِذَا كَانَتْ الْأَسَارُ مُعْتَلَةً» (همان، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۱).

۴-۴. استحباب شستن دست ها

در اسلام، شستن دست ها تا مچ در چند مورد مستحب است که با موارد نظایار در یهودیت منطبق می نماید: شستن دست ها پیش از وارد کردن آنها در ظرف آب وضو، و نیز پس از حدث غائط (دو بار) و پس از حدث ادرار و خواب (یک بار) (بحرانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۸؛ نجفی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۴)

۵. جمع بندی

این پژوهش با رویکردی تطبیقی به بررسی مفهوم، اقسام و احکام طهارت در دو نظام دینی فقه شیعه امامیه و شریعت یهودیت پرداخت. یافته ها حاکی از آن است که علیرغم تفاوت های تاریخی، فرهنگی و فقهی میان این دو دین ابراهیمی، اشتراکات قابل توجه و در عین حال، عمیقی در مبانی، اهداف و حتی جزئیات احکام طهارت وجود دارد. این قرابت ها تنها در سطح ظاهری نیست، بلکه در بسیاری موارد به ساختار و فلسفه احکام نیز تسری می یابد.

الف. تشابهات کلان و ساختاری:

۱. مفهوم طهارت: هر دو دین، طهارت را به دو قسم اصلی تقسیم می کنند: طهارت از خبث و طهارت از حدث.

در اسلام این تقسیم‌بندی به صراحت در متون فقهی آمده است و در یهودیت نیز احکام نطیلا (مربوط به حدث) و غسل‌های ویژه میت و حیض (مربوط به خبث و حدث اکبر) این تمایز را تأیید می‌کند.

۲. **طهارت به عنوان «مقدمه واجب»:** در هر دو دین، طهارت شرط صحت بسیاری از عبادات اصلی است. در اسلام، طهارت حدثیه و خبیثیه مقدمه ضروری نماز، طواف و قرائت قرآن شمرده می‌شود؛ در یهودیت نیز نطیلا و طهارت‌های دیگر، مقدمه ضروری برای خواندن براخا (نماز)، مطالعه تورات و ورود به اماکن مقدس است.

۳. **تقدم جنبه روحانی و باطنی:** در هر دو دین، طهارت ظاهری، نماد و مقدمه‌ای برای طهارت باطنی و تقرب به خداوند تلقی می‌شود. آیاتی مانند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (البقرة: ۲۲۲) در اسلام و نیز تأکید بر همراهی طهارت جسمانی با تمرکز قلبی در احکام یهودی، گواه این نگاه مشترک است.

ب. **تشابهات در مضادین و اسباب طهارت (حدث):** مقایسه موارد وجوب طهارت، شباهت‌های چشمگیری را نشان می‌دهد:

۱. **خروج بول و غائط:** در هر دو دین، این امور از اسباب اصلی نقض طهارت هستند. جالب آنکه در یهودیت حتی ورود به مکان تخلی (مستشویی) نیز موجب وجوب نطیلا می‌شود که نشان‌دهنده حساسیت فوق‌العاده نسبت به این موضوع است.

۲. **خواب:** خوابی که حواس را تحت الشعاع قرار دهد، در اسلام حدث اصغر و در یهودیت موجب وجوب نطیلا شمرده می‌شود.

۳. **جنابت و همبستری:** این حالت در اسلام موجب حدث اکبر و وجوب غسل، و در یهودیت موجب وجوب نطیلا است؛ اگرچه کیفیت تطهیر متفاوت است، ولی اصل لزوم تطهیر پس از آن مشترک است.

۴. **تماس با میت:** لمس مرده و نزدیکی به آن، در اسلام (مطابق فقه شیعه) موجب وجوب غسل مس میت می‌شود و در یهودیت موجب وجوب نطیلا است. حتی خروج از قبرستان نیز در هر دو دین مستلزم طهارت است.

۵. **منع لمس متون مقدس برای محدث:** شخص دارای حدث اکبر در اسلام حق لمس قرآن را ندارد؛ به طور مشابه، در یهودیت فرد بدون نطیلا یا دارای ناپاکی دیگر، حق لمس یا خواندن طومار تورات را ندارد.

ج. **تشابهات در کیفیت و آداب اجرا:**

۱. **تقدیم سمت راست:** در وضو و غسل اسلام، شستن و تطهیر سمت راست بدن بر چپ مقدم است؛ در نطیلا یهود نیز ریختن آب بر دست راست تقدم دارد و برای دست راست احترام ویژه‌ای قائلند.

۲. **کراهت استفاده از دست راست برای استنجاء:** در اسلام، طهارت گرفتن با دست راست مکروه است؛ در یهودیت نیز پاک‌سازی پس از قضای حاجت باید با دست چپ انجام شود و استفاده از دست راست مجاز نیست.

۳. **شستن دهان و صورت:** در هر دو دین، شستن دهان و صورت بخشی از فرایند طهارت یا مستحب مؤکد شمرده می‌شود.

۴. **آداب قضای حاجت:** پرهیز از سخن گفتن در حین تخلی، در هر دو دین مورد تأکید است؛ همچنین، در هر دو دین، حبس بول و غائط عملی مذموم و در صورت ضرر، حرام دانسته شده است.

د. تفاوت‌های عمده: علیرغم شباهت‌های فراوان، تفاوت‌های مهمی نیز وجود دارد که عمدتاً ناشی از تکامل فقهی است. این تفاوت‌ها عمدتاً در حوزه کیفیت اجرا، گستره شمول و برخی مصادیق ظهور یافته است:

۱. **کیفیت اصلی تطهیر:** عمل اصلی طهارت از حدث در اسلام وضو (شستن و مسح) و در یهودیت نطیلا (شستن دست‌ها) است. اگرچه غسل در هر دو دین وجود دارد، اما دامنه و اسباب آن متفاوت است.

۲. **تفصیل و گستردگی:** احکام طهارت در فقه اسلام، به ویژه با افزوده شدن مباحث تیمم و احکام آب‌ها، از چارچوبی تفصیلی‌تر و نظام‌مندتر برخوردار است. در یهودیت، تمرکز عملی بیشتر بر نطیلا و غسل‌های ویژه است.

۳. **اختلافات درون‌دینی:** همان‌گونه که در بخش اختلافات طهارت در اسلام به تفصیل آمد، در خود اسلام نیز در بسیاری از جزئیات طهارت اختلاف نظر وجود دارد. این خود گواهی است که اختلاف در فروع، نه تنها میان ادیان، که در درون یک دین نیز امری طبیعی و قابل تحمل است.

نتیجه‌گیری نهایی: مجموعه این شباهت‌های ساختاری و جزئی، که در اینجا تنها بخشی از آنها برشمرده شد، این فرضیه را تقویت می‌کند که احکام طهارت در اسلام و یهودیت، ریشه در منبع وحیانی مشترک و سنت ابراهیمی تأکیدکننده بر پاکی در عبادت دارند. این اشتراکات، دلیلی محکم برای تقویت گفت‌وگوی بین‌ادیانی و تقریب میان‌مذهبی است. همان‌گونه که مسلمانان اختلافات فقهی درون‌اسلامی را موجب خروج از دایره اسلام نمی‌دانند، می‌توان با نگاهی عالمانه و منصفانه، تفاوت‌های فقهی میان ادیان ابراهیمی را نیز مدیریت کرد و بر محور مشترکات - به ویژه پرستش خدای یکتا - تمرکز نمود: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...» (آل عمران، ۶۴) این پژوهش نشان می‌دهد که طهارت - به عنوان یکی از این مشترکات عملی - می‌تواند نه تنها موضوعی برای مطالعه تطبیقی، که زمینه‌ای عینی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری پیروان این ادیان در جوامع باشد.

کتابنامه

قرآن مجید

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (ع)*. محقق و مصحح: لاجوردی، مهدی، تهران: نشر جهان.
۲. ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱). *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. اشتاین سالتز، آدین، (۱۳۹۳). *سیری در تلمود*. ترجمه: طالبی دارابی. باقر، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴. امام خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). *رساله توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. آبراهام کهن. (۱۳۹۰). *گنجینه تلمود*، براخوت، تهران: اساطیر.
۶. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. (۱۴۳۱). *کفایه الاصول*، محقق: محمودی، مجتبی. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۷. آل اسحاق، اسماعیل. (۱۳۵۷). *مذاهب و ادیان*. قم: انتشارات حوزه علمیة.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد. (بی‌تا). *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم: بی‌نا.

۹. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱). صحیح البخاری. دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). نهج الفصاحة: کلمات قصار پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» همراه با ترجمه فارسی و نمایه موضوعی. به اهتمام: مجیدی خوانساری، غلامحسین. قم: انصاریان.
۱۱. پور مولائی، مرتضی. (۱۳۹۴). تطبیق طهارت و نجاست در اسلام و یهودیت. چابهار، مرتضی پورملایی. انجمن اهل قلم بلوچ چابهار.
۱۲. ترمذی، حمّاد بن عیسیٰ سورۃ. (۱۴۱۲). الشمائل المحمّدیة. تحقیق: الجلیمی، سیدعباس. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیة.
۱۳. جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۲۴). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۳). موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت «علیهم السلام». قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۱۵. حسینی سیستانی، سید علی. استفتاعات آیت الله سیستانی. برگرفته از سایت www.sistani.org.
۱۶. حسینی سیستانی، سید علی. توضیح المسائل. برگرفته از سایت www.sistani.org.
۱۷. حسینی، حمید. (۱۳۸۸). «وضو از دیدگاه مذاهب اسلامی». مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی. شماره ۱۷.
۱۸. حکیم، محمد هادی، هاشمی شاهرودی، محمود؛ عبدالله آبادی، سلیمان. (۱۴۲۴). المعجم الفقہی لکتاب الشیخ الطوسی. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
۱۹. خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۴). توضیح المسائل (محشّی). تحقیق سید محمدحسین بنی هاشمی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
۲۱. سیاح، احمد. (۱۳۶۵). لغتنامه فرهنگ سیاح. قم: اسلام.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. محقق: کلاتر، محمد. قم: مکتبه الداوری.
۲۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۴. صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة. محقق: آل یاسین، محمدحسن. بیروت: عالم الکتب.
۲۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۳۰). العروة الوثقی. قم: موسسه السبطين «علیهم السلام» العالمیه.
۲۶. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل. (۱۴۱۲). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی.
۲۷. علی نوری، علیرضا. (۱۳۸۳). کلیات فقه اسلامی. پژوهشکده تحقیقات اسلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. تهران: یاقوت.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی تا). العین. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۹. قمی، علی. (۱۳۹۳). «چگونگی انجام وضو نزد فریقین (۳) (مسح)». در مجله میقات حج، ش ۹۰.
۳۰. قمی، علی. (۱۳۹۳). «چگونگی انجام وضو نزد فریقین (۱)». در مجله میقات حج، ش ۸۷.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۲. مبلغی آبادی، عبدالله. (۱۳۷۳). تاریخ ادیان و مذاهب جهان تا قرن ۲۰. قم: سینا.
۳۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۶). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار. محقق، مصحح: رجائی، مهدی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۵. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۰۲). الفقه علی المذاهب الخمسة. بی جا: بی نا.
۳۶. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۶). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تحقیق: قوچانی، عباس. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۳۷. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت «علیهم السلام».
۳۸. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۹۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت «علیهم السلام». قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت «علیهم السلام».
۳۹. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۳۲). موسوعة الفقه الاسلامی المقارن. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت «علیهم السلام».
۴۰. هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس تهران: اساطیر.
۴۱. هلاخا، طبق بن ایش. (بی تا). حای (احکام یهود). بی جا: بی نا.
۴۲. یدیدیا، هارا، حیان، آفر. (بی تا). شرعیات یهود. بی جا: بی نا.
۴۳. کارو، یوسف. (۱۵۶۵)، شولحان عاروخ. ونیز، ایتالیا: چاپخانه براگادین.